



عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ»

الكافي، جلد ۱، صفحه ۲۶

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظایفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

استبداد

شناسنامه مطلب	
b-265	کد مطلب
بصیرتی / مباحث آموزشی / گام اول: اطلاعات سیاسی / مقدماتی	رده
استبداد، مطلقه، حاکمیت، پدرسالاری	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

ریشه

استبداد از ریشه «بدد» و به معنای «انفراد در هر امری و اختصاص دادن آن به خود، بدون مشارکت دیگران (۱)(۲) و تنها بر سر کاری ایستادن و بی‌توجهی به منع دیگران ۳ است، چنان‌که «استبداد در رأی» به معنای انفراد در رأی خود و بی‌توجهی به نظر دیگران ۴ و در لغت در برابر مشورت است. این تقابل از سخنان امیرمؤمنان، علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه نیز استفاده می‌شود. ۵

اصطلاح سیاسی

استبداد از ریشه یونانی به معنای آقا و ارباب گرفته شده است. مستبد (Despot)، حاکمی است خودکامه؛ که قدرتش مطلق، بی‌حد و حصر و فاقد کنترل می‌باشد. استبداد بر حکومت سلطه‌جویی دلالت دارد که هیچ چیز قدرت خودکامه‌اش را محدود و متوقف نمی‌سازد؛ چنانچه قدرت استبدادی با اعمال زور به حفظ خود می‌پردازد و به صورت حکومتی جبار در می‌آید. این اصطلاح معمولاً در جهت توصیف اقتداری که مشروعیتش مورد قبول همگان نیست به کار می‌رود و از استبداد دولت یا استبداد انقلابی یا استبداد احزاب سخن به میان می‌آید.

استبداد اعم از اینکه حاکمیت از طرف فرد، یا جمعیتی کوچک یا بزرگ باشد و یا اینکه حکومت در ید اختیار رئیس قوه مجریه باشد، چون دخالت و نظارت مردم در حکومت را بر نمی‌تابد، بدان حکومت مطلقه یا حکومت استبدادی می‌گویند.

در تعریفی دیگر: این واژه در اصطلاح سیاسی به سلطه فرد یا گروهی در یک نظام و حکومت و تصرف در حقوق مردم، بدون لحاظ قانون و نظر زیردستان (۶)(۷) و بدون ترس از بازخواست ۸ گفته می‌شود و از آن جهت نزد عرف

۱- مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۶۲.

۲- لسان العرب، ج ۱، ص ۳۳۹، «بدد»

۳- لغت نامه، ج ۲، ص ۱۷۸۸.

۴- لسان العرب، ج ۱، ص ۳۳۹.

۵- نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱.

۶- موسوعة السياسة، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۷.

۷- فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲.

۸- طبیعت استبداد، ص ۴۱.

ناپسند است که پیامد آن رسیدن ضرر و آسیب به توده مردم به جهت اعمال قدرت غیر مسئولانه و نامشروع یک فرد یا یک گروه محدود بر عموم است و چون این پدیده نوعاً از سوی فرمانروایان رخ می‌دهد، برخی مقصود از استبداد به صورت مطلق را «استبداد فرمانروایان» دانسته^۱ و واژه‌های سیاسی «تسلط»، «تحکم = زورگویی» و... را معادل آن برشمردند و از استبدادزدگان با عناوینی همچون: اسیران، ذلیلان، کوچک‌شمردگان نام برده، مقابل آنها را غیرتمندان، آزادگان و زندگان قرار داده‌اند.^۲

شرط بقای حکومت استبدادی

حکام مطلق العنان یا تام الاختیار را در یونان و روم بوستان جبار می‌خوانده‌اند و طریق روی کار آمدن آنها نیز غالباً به مخالفت برخاستن با حکومت پیشین و سرنگون کردن آن است. کارشناسان امور اجتماعی - سیاسی بر این باورند که آداب و سنن هر جامعه‌ای از دشمنان قطعی و مؤثر حکومت‌های استبدادی آن جامعه‌اند. یعنی اینکه گرچه یک حکومت استبدادی می‌تواند آمریت داشته باشد، ولی نمی‌تواند در جامعه‌ای که بر آن حاکم است گامی برخلاف آداب و سنن اجتماع بردارد؛ زیرا در چنین صورتی کل جامعه به جنگ یا انقلاب علیه سیستم می‌پردازد. به سخن دیگر می‌توان گفت پذیرفته شدن یک حکومت مطلقه و یا استبدادی در صورتی امکان دارد که آن جامعه سنتی و عقب مانده باشد و مردمش به حقوق طبیعی و مدنی خود کمتر از نادیده گرفتن سنت‌هایشان اهمیت بدهند و این حالتی است که کم و بیش تا قبل از رنسانس حتی در کشورهای پیشرفته امروزی وجود داشت.^۳

انواع استبداد

گروهی استبداد را در یک تقسیم‌بندی به استبداد پدرسالاری و استبداد خوب تقسیم کرده‌اند.

- استبداد پدرسالاری: حکومتی که یک نظارت همگانی را بر همه کارکردهای اجتماع دارد؛ به گونه‌ای که در همه افراد، این احساس را زنده نگه دارد که هر زمان بخواهد می‌تواند برای واداشتن آنان به اطاعت از فرمانهای خود، زور لازم را به کار ببرد، ولی به علت عدم امکان فرو آوردن مراتب نظارت خود تا حد جزئیات

۱- طبیعت استبداد، ص ۴۱.

۲- همان

۳- فرهیخته، شمس‌الدین، فرهنگ فرهیخته، تهران، زرین، ۱۳۷۷، چاپ اول، ص ۳۶۸ - ۳۶۷.

کار و زندگی به ناچار افراد را آزاد می‌گذارد و آنان را تشویق می‌کند که بسیاری از نظارت‌ها را خود انجام دهند.^۱

- استبداد خوب: به معنی حکومتی که در آن تا آنجا که به حاکم مستبد بسته است، هیچگونه تعهد و تجاوزی از سوی ماموران دولتی در حق مردم صورت نگیرد، ولی در آن همه مصالح مشترک مردم بر ایشان رتق و فتق می‌شود و همه تأملاتی که پیوندی با مصالح مشترک آنان داشته است بر ایشان حل می‌شود.^۲

استبداد در نگاه رهبری

استبداد به رای، با هر نامی و از سوی هر کس، از نظر اسلام ممنوع است.

(۲۴/۰۶/۱۳۸۱ بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه)

بهره‌گیری از سایت پژوه

۱- آشوری، داریوش؛ دانشنامه سیاسی، تهران، سهروردی، ۱۳۶۶، چاپ اول، ص ۴۵.

۲- شایان‌مهر، علیرضا؛ دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۷۹، چاپ اول، ۵۳-۵۲.